



نقش خانواده در مراقبت از نوجوان مبتلا به اختلال "دوقطبی"

اختلال "دوقطبی"، بیماری روان‌شناختی پیچیده‌ای است که مراقبت از افراد مبتلا به آن به قلق‌های زیاد و خاصی نیاز دارد.

اختلال "دوقطبی"، بیماری روان‌شناختی پیچیده‌ای است که مراقبت از افراد مبتلا به آن به قلق‌های زیاد و خاصی نیاز دارد. محققان کشور این موضوع را برای خانواده‌هایی که دارای نوجوان مبتلا هستند، بررسی کرده و راهکارهایی برای مراقبت بهتر ارائه داده‌اند.

به گزارش ایسنا، بیماری روانی در یک خانواده می‌تواند عاملی مخرب و نابودکننده باشد و کارکرد خانواده را مختل کند. خانواده افراد مبتلا به بیماری‌های شدید روانی مسئولیت زیادی در مهیا کردن مراقبت و حمایت از بستگان خود در طول دوره درمان دارند، چراکه بسیاری از این بیماران دهه‌ها و سال‌ها نیازمند حمایت هستند. تعداد زیادی از این خانواده‌ها تجربه زیادی از استرس و دل‌زدگی دارند که بر روی سلامت آن‌ها اثر می‌گذارد. اختلال دوقطبی از آن دسته اختلالاتی است که می‌تواند اثرات نامطلوبی بر سلامت روان و کارکرد اعضای خانواده داشته باشد.

به اعتقاد متخصصان، در خانواده‌های دارای عضو بیمار مبتلا به اختلالات روان‌پزشکی حاد، به خصوص اختلال دوقطبی که یک بیماری مخرب و آسیب‌رسان است، اعضای خانواده تحت فشار و استرس فراوان قرار گرفته، احساس درماندگی و آشفتگی فراوانی را به خاطر وجود این فرد مبتلا متحمل می‌شوند که گاه منجر به ایجاد مشکلات حاشیه‌ای بیشتری نیز می‌شود. از آن جمله توجه متمرکز هرچند ناکارآمد به عضو بیمار و کاهش و حتی گاه فقدان توجه به سایر تکالیف خانوادگی و اعضای سالم‌تر خانواده، تحمل بار فشار روانی خارج از توان و آسیب‌های جسمی و روحی متعاقب در سایر اعضا را می‌توان نام برد.

در این خصوص، تیمی پژوهشی از روان‌شناسان کشور به رهبری دانشگاه علامه طباطبایی دست به انجام مطالعه‌ای زده‌اند که در آن نحوه رویارویی با اختلال دوقطبی نوجوانان مورد بررسی واقع شده است.

در این مطالعه کیفی، داده‌های مورد نیاز از اعضای خانواده دارای بیمار نوجوان مبتلا به اختلال دوقطبی و خود بیمار از طریق مشاهده و مصاحبه در مورد رفتارها، هیجانات، تفکرات و مسائل مختلف، گردآوری شده است.

یافته‌های این پژوهش با توجه به نگرش خاص هر خانواده که بر ویژگی‌های تعدیل‌ناخوانی، سازگاری و به‌طورکلی در الگوی واکنشی آن‌ها در مقابل حوادث نقش مهمی ایفا می‌کند، نشان داد که عملکرد خانواده‌ها، به صورت‌های زیر در آن‌ها بروز یافته است که عبارت‌اند از: مسیرهای هماهنگ ساز خانواده با تغییرات، مسیرهای امنیت‌بخشی، ارتباط‌سازی، مقاوم‌سازی، باور سازی و مشارکتی خانواده در بحران.

به گفته نفیسه مهدوی، روان‌شناس و عضو تیم تحقیقاتی فوق، «با بررسی نحوه رویارویی خانواده‌ها و حالات ارتباطی و فرآیندهای راهبردی آن‌ها از جمله چگونگی تقسیم وظایف، حمایت از یکدیگر در بحران، اعتماد متقابل و امنیت‌بخشی، ابراز عواطف و نظایر آن، می‌توان به این نتیجه رسید که این عوامل به انطباق کلی خانواده در شرایط بحرانی کمک کرده است».

به اعتقاد آن‌ها، «به‌طورکلی خانواده‌های سالم با ابراز هیجان و حمایت از یکدیگر با موقعیت‌های سخت روبه‌رو می‌شوند و آن‌ها را می‌پذیرند و می‌دانند قادر به کنترل بسیاری از آن‌ها نیستند و در جست‌وجوی منابع حمایتی برای مقابله با آن‌ها به شیوه‌ای برنامه‌ریزی شده، معنادار و سازنده برمی‌آیند».

بر اساس نتایج این تحقیق، مشارکت‌پذیری اعضای خانواده به عنوان نیاز اجتناب‌ناپذیر بشر، همه ابعاد انسانی را در سطوح مختلف فکری، عاطفی و رفتاری تحت پوشش قرار می‌دهد و در انطباق‌پذیری خانواده با شرایط بحران حائز اهمیت است.

این یافته‌های علمی پژوهشی را «مجله علوم پزشکی رازی» متعلق به دانشگاه علوم پزشکی ایران منتشر کرده است.